

راهبردهای انطباق با بحران‌های اقتصادی: فرا ترکیب کیفی مقالات علمی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰

مجتبی میرزائی^۱
غلامرضا صدیق اورعی^{۲*}
مهدی کرمانی^۳
احمدرضا اصغرپور ماسوله^۴

چکیده

مواجهه با بروز بحران‌ها در سده‌های اخیر برای تمام کشورها امری گریزناپذیر بوده است. و در این راستا کنش‌ها و راهبردهای متنوعی در سطوح مختلف از سوی بازیگران متفاوت قابل مشاهده است. بررسی این نوع کنش‌ها و راهبردها به وضوح در امر مدیریت و برنامه‌ریزی جهت مقابله با بروز بحران‌ها موثر خواهد بود. تحقیق حاضر نیز با هدف جمع‌بندی استراتژی‌های صورت گرفته در مواجهه با بحران گام برداشته است. برای انجام این مطالعه روش فرا ترکیب مورد استفاده قرار گرفت. در این مطالعه کلیه مقالاتی که پیش از سال ۱۳۹۹ یا ۲۰۲۰ منتشر شده بودند از پایگاه‌های معتبر فارسی زبان و انگلیسی زبان جمع‌آوری گردید. در نهایت نیز از تعداد کثیر مقالات مورد بررسی ۳ مقاله فارسی و ۱۸ مقاله انگلیسی زبان برای تحلیل نهایی انتخاب و جمع‌آوری گردید. در نهایت نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین اثرگذاری بروز بحران‌ها در حوزه اقتصادی است. به عبارتی اولین ضربه بحران‌ها به جنبه اقتصادی زندگی مردم برخورد می‌کند و از این ناحیه زوایای دیگر زندگی اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. نتایج حاکی از این بود که برای برون رفت از بحران، در راهبردهای دولتی رایج‌ترین امر ایجاد اشتغال، پرداخت بارانه نقدی و حمایت معیشتی و حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و بهداشتی است. و در بخش راهبردهای خانوار رایج‌ترین آنها کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار، تنوع معیشتی یا تغییر شغل، درخواست کمک از شبکه اجتماعی و مدنی و در نهایت مهاجرت و چند شغله شدن است.

واژگان کلیدی: بحران، راهبردهای انطباق، کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار، استراتژی‌های خانوار.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
M_mirzaie1990@yahoo.com
sedighourae@googlegmail.com
۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۳- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
m-kermani@um.ac.ir
۴- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
asgharpour@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

با آغاز دهه اول قرن بیست و یکم اکثر کشورهای دنیا شاهد بحران‌های بی‌سابقه اقتصادی، مالی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند (میسرینسکی و همکاران^۱، ۲۰۱۴؛ کاپور^۲، ۲۰۱۰؛ اف دی‌ای سی^۳، ۲۰۱۷؛ رینهارت و روگاف^۴، ۲۰۰۹). به خصوص در سال‌های بعد از ایجاد بحران مالی ۲۰۰۸، مخاطرات و تغییرات ایجاد شده در حوزه اقتصادی بر سایر حوزه‌ها مثل حوزه سیاسی، زیست محیطی و مخصوصاً اجتماعی اثر گذار بوده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۰). فقر، تورم افسارگسیخته، بیکاری‌های گسترده، محرومیت‌های اقتصادی و افزایش سرسام آور هزینه‌های زندگی از جمله پیامدهای بحران‌های مالی اخیر است که هر یک زندگی افراد جامعه را بی‌تاثیر از خود نگذاشته است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۸؛ فلیکس^۵، ۲۰۱۱). این پیامدها مردم و دولت‌ها را ملزم به ارائه‌ی پاسخ‌ها و راهکارهایی برای ادامه روند زندگی و برون رفت از شرایط بحرانی و وضعیت نامطلوب می‌کند. راهکارهایی متفاوت در سطوح خرد و کلان اقتصادی که مطالعه آنها و بررسی این نوع از کنش‌ها از سوی مردم و دولت، روند مدیریت بحران را برای سال‌های آتی موثرتر خواهد ساخت.

در سطح خرد کنش‌های متفاوتی با توجه به شرایط افراد و خانواده‌ها رخ داد. بسیاری کنشگران (افراد و خانواده‌ها) با کاهش مصارف زندگی (چاکرابارتی^۶، ۲۰۱۱؛ تیلور^۷ و همکاران، ۲۰۱۰)، کاستن سرمایه‌گذاری (آیرون^۸، ۲۰۰۹)، مهاجرت (سواری، ۱۳۹۷؛ فاندویل و وارد^۹، ۲۰۱۴؛ فائو^{۱۰}، ۲۰۱۰)، کاهش مصارف پنهان (اورعی، ۱۳۹۰؛ بگول و برنهایم^{۱۱}، ۱۹۹۶) و تغییر شغل (گوتام و آندرسون^{۱۲}، ۲۰۱۶) به بحران و شرایط نامطلوبی از زندگی پاسخ دادند. در سطح کلان نیز دولت‌ها برنامه‌های متفاوتی را جهت خروج از شرایط و یا بهبود شرایط اجرا نمودند. برنامه‌هایی از جمله ایجاد معافیت‌های مالی، ایجاد ساختارهای شغلی، اهدای یارانه، کاهش نرخ بهره و برنامه‌های موقت حمایت معیشتی (رامش^{۱۳}، ۲۰۰۹؛ فائو، ۲۰۰۹؛ کیزس و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۱).

1. Mačerinskienė & Ivaškevičiūtė & Raišienė

2. Kapoor

3. FDIC

4. Reinhart and Rogoff

5. Felix

6. Chakrabarti

7. Taylor et al

8. Irons

9. Fondeville & Ward

10. FAO

11. Bagwell & Bernheim

12. Gautam & Andersen

13. Ramesh

14. Cazes & Heuer & Verick

با این حال با توجه به اهمیت موضوع نوع کنش‌ها و پاسخ‌های کنشگران نسبت به شرایطی از نامطلوبی و بحران، تحقیقات جدی در این حوزه صورت پذیرفته است. به خصوص پیشینه تجربی در خصوص این موضوع در ایران به نسبت ضعیف است. اکثر مطالعات در حوزه کلان بوده و به دنبال تحلیل چرایی ایجاد بحران و پیامدهای بحران بر ابعاد اقتصاد کلان‌اند (به عنوان مثال مراجعه شود به رضایی، ۱۳۹۷؛ خضری، ۱۳۸۷؛ احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ شیخیانی و موسوی، ۱۳۹۱). از همین رو با توجه به شرایط خاص ایران که به طور مداوم بحران‌ها و شرایطی از نامطلوبی را مردم تجربه می‌کنند لزوم پرداخت به این مسئله و توجه به کنش مردم نسبت به این وضعیت از اهمیت بالایی برخوردار بوده که کمتر مطالعه‌ای می‌توان در این خصوص پیدا نمود. اهمیت این مسئله در دوره کنونی و با ظهور ویروس کرونا که ضربه‌ای اقتصادی به کنشگران اقتصادی و اجتماعی وارد نمود نیز ملموس‌تر می‌نماید.

لذا تحقیق حاضر با هدف فراترکیب کیفی به دنبال جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات مختلف در حوزه پاسخ‌ها و کنش کنشگران و همچنین کنش دولت‌ها به بحران است؛ تا با ترکیب و یکپارچه‌سازی این نتایج بتوان تحلیل درست و یافته‌هایی منسجم از موضوع ارائه داد. بنابراین تحقیق حاضر که با هدف بررسی و فراترکیب مقالات معتبر پژوهشی خارجی و داخلی در بازه زمانی (قبل از ۱۳۹۹ یا ۲۰۲۰) با موضوع نحوه پاسخگویی به شرایطی از بحران (اقتصادی) صورت گرفته است، در صدد پاسخ‌گویی به سوال‌های زیر است:

- محققان حوزه بحران‌های اقتصادی در چه سطحی به بررسی اثرات بحران‌ها در جامعه پرداخته‌اند؟
- رویکردهای روش شناختی به کار رفته در پژوهش‌های حوزه بحران‌های اقتصادی چه بوده است؟
- اثرات به وجود آمده ناشی از بحران‌ها به چه صورت بوده است؟
- در سطوح مختلف برای خروج از این شرایط چه نوع کنش‌ها و پاسخ‌هایی از سوی کنشگران اتخاذ گردیده است؟

راهبردهای انطباق با بحران‌ها

با نگاهی به حوزه عمومی روشن می‌شود که بحران‌ها بر توانایی دولت جهت توزیع هزینه‌ها و اقدامات مقابله‌ای برای کاهش تأثیرات منفی روی مردم، تأثیر می‌گذارد. آنها باعث قطع ارائه کالا و خدمات عمومی ضروری می‌شوند که این امر در دراز مدت به کاهش رشد منجر خواهد شد. در این دوره درآمدهای مالیاتی با ضعف فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابند و تحقق بدهی‌های

احتمالی نیز در این وضعیت به ایجاد یک وضعیت مالی ضعیف منتهی می‌شود. در این شرایط دولت‌ها به دنبال تقویت بازار و بازگرداندن اعتماد به آن، علاوه بر اجرای اقدامات ریاضتی، فعالیت‌های خود را در زمینه گسترش زیرساخت‌ها و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی کاهش می‌دهند (راوالیون^۱، ۲۰۰۸). به عنوان مثال مصارف یا خدمات درمانی در اندونزی، مالزی و تایلند تایلند در طول بحران شرق آسیا کاهش یافت. یا در طول بحران مکزیک در سال ۱۹۹۴، دولت ۱۵ درصد از هزینه‌های آموزشی را کاهش داد (سلیسن و فیجن^۲، ۲۰۰۶). همچنین سرمایه‌گذاری گذاری عمومی در آموزش و پرورش نیز طی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۰ در پرو ۵۰ درصد کاهش یافت. علاوه بر این در کشورهای آمریکای لاتین در بخش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۰ نیز کاهش قابل توجهی گزارش شده است. در کشورهای در حال توسعه نیز کاهش بودجه بخش‌های اجتماعی دولت نیز امری معمول است (کالوو^۳، ۲۰۱۳؛ تینگسون و همکاران^۴، ۲۰۰۹).

اما در حوزه خصوصی نیز گاهی پاسخ افراد به وضعیت‌های بحرانی باعث وخیم‌تر شدن وضعیت رفاه اجتماعی در طول و بعد از بحران می‌شود. در این شرایط، در مواجهه با از دست دادن شغل و درآمد و کاهش حمایت اجتماعی دولت، ممکن است افراد راهکارهای مقابله‌ای آسیب‌زایی را بپذیرند، از جمله فروش دارایی‌های مولد مانند زمین و دام، نقشه کشیدن برای سایر دارایی‌ها از جمله دارایی‌های اجتماعی، جسمی، طبیعی یا مالی، کاهش کیفیت مصرف مواد غذایی، صرفه‌جویی در مراقبت‌های بهداشتی، بیرون آوردن کودکان از مدارس، کاهش مصارف خود جهت محافظت از کودکان خردسال یا قرض گرفتن (گلو و هال^۵، ۱۹۹۸؛ درکون^۶، ۲۰۱۱؛ فیسبین و همکاران^۷، ۲۰۰۳؛ سو و همکاران^۸، ۲۰۱۰؛ گو و همکاران^۹، ۲۰۰۵). به طور مثال در اندونزی، استفاده از تسهیلات بهداشتی طی بحران ۱۹۹۷ به شدت کاهش یافت، همچنین از نتایج یک پیمایش مربوط به خانواده‌ها مشخص شد که ثبت نام در مدارس کاهش یافته و ترک تحصیل در طول بحران افزایش یافته است (اتکر راب و پادپیرا^{۱۰}، ۲۰۱۳)؛ یا در طول بحران

1. Ravallion
2. Claessens & Feyjen
3. Calvo
4. Tiogson et al
5. Gleww & Hall
6. Dercon
7. Fiszbein & other
8. so et al
9. Goh et al
10. Otker-robe & Podpiera

آرژانتین (۱۹۹۵) و ونزوئلا (۱۹۹۴) میزان مصرف پروتئین روزانه به ترتیب ۴ و ۳ درصد کاهش یافت. در برخی موارد کارمندان برای جبران از دست دادن درآمد، ساعات بیشتری را کار می‌کردند یا در مشاغل اضافی مشغول به کار می‌شدند اما با مزایا و حقوق کمتر (مک کورد و واندامورتل^۱، ۲۰۰۹).

این راهبردهای انطباق می‌تواند عواقب طولانی مدت برای افراد داشته باشد و فرار از تله‌های فقر را دشوارتر سازد. مثلاً آموزش و تغذیه در دوران کودکی دریچه‌ای از فرصت‌ها را برای شکل دادن به سلامتی نسل آینده، سرمایه انسانی و کسب پتانسیل بهره‌وری فراهم می‌کند و توانایی مقابله با اوقات بحران را تقویت می‌کند (درکون، ۲۰۱۱؛ برینکمن و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ آلدنمن و همکاران^۳، ۲۰۰۶). چنانچه این ظرفیت‌ها و موقعیت‌ها در دوران کودکی از فرزندان گرفته شود ضربه‌ای جبران ناپذیر به سلامتی نسل آینده خواهد خورد.

بنابراین بحران‌های اقتصادی گذشته شواهد کافی از وخامت قابل توجه کوتاه مدت و بلند مدت در شاخص‌های رفاه اجتماعی را نشان می‌دهد. فقر تقریباً در همه بحران‌ها در نتیجه تلف شدن درآمدها و مشاغل، کاهش دسترسی به کالاها و خدمات توسط خانواده‌ها و افراد، افزایش قیمت‌ها و افت ارزش دارایی‌ها و راهبردهای مقابله‌ای با بحران افزایش می‌یابد و رفاه اقتصادی و اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (فین، ۲۰۰۹).

در کنار این مسائل عدم توجه به راهبردهای انطباق نه تنها منجر به بروز مشکلات اقتصادی می‌شود بلکه آسیب‌های اجتماعی، روانی و درمانی-بهداشتی را نیز به دنبال خواهد داشت. با بررسی رویکردها و استراتژی‌های صورت گرفته در مواجهه با بحران‌ها و فراهم ساختن درک و فهمی درست از آنچه در سطوح مختلف اجتماعی رخ می‌دهد می‌توان در امور مربوط به برنامه‌ریزی و اقدامات در خصوص کاهش آسیب‌های ناشی از بحران‌ها سریع‌تر و کارآمدتر عمل نمود. از اینرو پژوهش حاضر نیز به بررسی مقالات و پژوهش‌های مرتبط با راهبردهای انطباق پرداخته است تا با جمع‌بندی و تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش‌ها، بتواند درک مناسبی از این جریان را فراهم سازد.

1. McCord & Vandemoortele
2. Brinkman et al
3. Alderman et al

پیشینه پژوهش

مطالعات و تحلیل‌های زیادی در حوزه بحران‌های اقتصادی صورت گرفته به خصوص بعد از بحران‌های مالی و اقتصادی سال‌های ۱۹۳۰ و ۲۰۰۷ (به عنوان مثال مراجعه شود به دی گرایو^۱، ۲۰۱۰؛ دلاپورتا^۲، ۲۰۱۲؛ گاردو و ریینر^۳، ۲۰۱۰؛ نیوتون^۴، ۲۰۰۱؛ خاویر^۵، ۲۰۱۳؛ پاول^۶، ۲۰۱۲).

در این ارتباط پژوهش‌های صورت گرفته در ایران عمدتاً به چالش‌هایی همچون بررسی تأثیرات بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ آمریکا بر اقتصاد کلان ایران، ارزیابی و آسیب شناسی بحران‌های اقتصادی اخیر در ایران و بررسی تأثیر بلایای طبیعی بر جنبه‌های متفاوت زندگی مردم تأکید داشته‌اند (مراجعه شود به خضری، ۱۳۸۷؛ احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ شیخانی و موسوی، ۱۳۹۱؛ رضایی، ۱۳۹۷). مطالعات بسیار کمی نیز در خصوص نحوه کنش و مصرف کنشگران در دوره‌ای از شرایط نامطلوبی صورت گرفته است (مراجعه شود به سواری، ۱۳۹۷؛ اورعی، ۱۳۹۰؛ توحیدلو، ۱۳۹۴).

تحقیقات نشان داد که در سطح کلان ایجاد بحران‌های اقتصادی و مالی به خصوص بر کشوری همچون ایران که به درآمدهای نفتی وابسته است، تأثیرات منفی خواهد گذاشت، بدین صورت که از طرفی باعث کاهش درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری می‌شود و از طرف دیگر به افزایش نرخ تورم منجر خواهد شد. علاوه بر این کاهش تولید و در نتیجه کاهش تقاضای نیروی کار و افزایش بیکاری نیز از نتایج آن خواهد بود (فعالجو و سیداحمدی، ۱۳۹۴؛ ترکی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین براساس نتایج پژوهش‌های موجود، در سطح خرد می‌توان گفت که با ایجاد بحران و کاهش درآمد، فاصله‌ای بین هزینه و درآمد افراد و کنشگران به وجود آمده است. فاصله‌ای که برای رفع آن هم در سطح کلان و هم در سطح خرد تصمیمات و اقداماتی از سوی دولت‌ها و کنشگران اقتصادی صورت پذیرفته است (سواری، ۱۳۹۷؛ اورعی، ۱۳۹۰).

از اینرو عمده تحقیقات انجام شده در حوزه پاسخ به بحران‌های اقتصادی و مالی در داخل ایران در سطح کلان به روش کمی انجام شده است، بدین صورت که این تحقیقات داده‌های مربوط به شاخص‌های اقتصادی را استخراج و با در ارتباط قرار دادن و مقایسه این داده‌ها با یکدیگر، تحلیل و تفسیر وضعیت ایجاد شده از بحران را ارائه نموده‌اند. در سطح خرد اما معدود

1. Paul De Grauwe
2. Donatella Della Porta
3. Sandro Gardo & Martin Reiner
4. Kenneth Newton
5. Javier Polavieja
6. Charles Powell

مطالعات صورت گرفته، روش کیفی را مورد نظر داشته‌اند و از این روش برای دستیابی به اهداف خود سود برده‌اند.

در ارتباط با پژوهش‌های صورت گرفته خارجی نیز باید مطرح ساخت که این تحقیقات از تنوع و پویایی بیشتری برخوردار هستند. این مطالعات تاثیر ایجاد بحران‌های اقتصادی و شرایط نامطلوب ناشی از آن به جنبه‌های مختلف زندگی را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند. در بسیاری از تحقیقات در این حوزه، به مسائلی همچون سلامت جسمانی و روانی افراد پرداخته شده است و تاثیر شرایط بحرانی را بر این مقولات مورد بررسی قرار داده‌اند. تعدادی برای مطالعه بحران‌ها متوجه فاکتورهای اقتصادی و رفاهی یک جامعه از جمله تورم، بیکاری، رکود و کاهش درآمد هستند. تعدادی از پژوهشگران نیز آسیب‌های اجتماعی ناشی از بحران‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند آسیب‌هایی از جمله افزایش جرم و خشونت، کاهش امنیت و افزایش سرقت. مطالعاتی نیز به تغییر شرایط زندگی و خانوادگی مردم توجه نموده‌اند و مسائل و مشکلات ناشی از بحران‌ها را در سطحی خردتر مورد بررسی قرار داده‌اند (به عنوان مثال کلینچ و هولت،^۱ ۲۰۱۸؛ لاکسونن و همکارانش^۲، ۲۰۰۹؛ استوکلر و همکارانش^۳، ۲۰۰۹؛ جانانکار^۴، ۲۰۱۱؛ تیلور و همکاران، ۲۰۱۰؛ نیل و ژیاثو^۵، ۲۰۱۲؛ لوزاردی و همکارانش^۶، ۲۰۱۰). این تحقیقات نیز عموماً با رویکرد کمی انجام شده است با این حال مطالعات کیفی نیز در پژوهش‌های خارجی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

اما نتایج این تحقیقات فارغ از داخلی یا خارجی بودن آنها مؤید آن است که کنشگران برای عبور از شرایط بحران مالی و اقتصادی نیازمند تمهیدات و برنامه‌هایی در دو سطوح کلان و خرد هستند. دولت‌ها در این مسیر با ایجاد برنامه‌های حمایتی موقت معیشتی، افزایش اعطای مزایای بیکاری، تلاش برای حفظ درآمد مردم، کاهش هزینه‌های مردم، کاهش ساعات کاری برای حمایت از کارفرمایان و دادن مشوق‌های مالی به کارآفرینان در جهت خروج از بحران یا بهبود اوضاع گام برداشته‌اند. کنشگران خرد نیز در این مسیر، راهکارها و پاسخ‌های خود را به صورت مدیریت مصرف از طریق کاستن از هزینه‌ها، کاستن از سرمایه‌گذاری‌ها و کاستن از پس‌انداز خود پیگیری می‌کنند. بسیاری قناعت پیشگی نموده و بسیاری نیز در جهت متنوع‌سازی معیشت خود حرکت می‌کنند. نتایج تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که تعدادی زیادی از کنشگران و خانوارها

1. Clench-Aas & Holte
 2. Laaksonene etal
 3. Stuckler etal
 4. Junankar
 5. ONeill & Xiao
 6. Lusardi etal

نیز به تغییر شغل، مهاجرت به منطقه‌ای مطلوبتر، استفاده از حساب‌های پس‌انداز و بازنشستگی، استفاده از مارک ارزان قیمت، ورود به مشاغل خطرناک، قرض گرفتن و حتی خوردن غذای کمتر و فروش سرمایه‌های خود روی آوردند.

اما در جستجوهای صورت گرفته در مورد راهبردهای انطباق با بحران، مطالعه‌ای فراترکیب مشاهده نشد که به بحث راهبردهای صورت گرفته در مواجهه و انطباق با بروز بحران به صورت یک مطالعه علمی پرداخته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش به منظور مرور نظام‌مند مطالعات حوزه بحران‌ها و با هدف بررسی راهبردهای ارائه شده در خصوص انطباق با بحران‌ها از سوی کنشگران، از روش فراترکیب استفاده کرده است.

فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج شده از مطالعات دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. این روش با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های مختلف به کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش دانش فعلی را نسبت به موضوع ارتقا می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای را در زمینه مسائل به وجود می‌آورد (زیمر^۱، ۲۰۰۶). این روش ماهیتاً یک روش نظری نیست و لزوماً ادبیات موضوعی زیادی را درگیر نمی‌کند. همچنین به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، ترکیب تفسیری از یافته‌ها تولید می‌کند. فراترکیب، یک روش مرور نظام‌مند جهت تجمیع و یکپارچگی نتایج پژوهش‌های گوناگون مربوط به حوزه‌ای خاص است (کمالی، ۱۳۹۶).

نکته حائز اهمیت اینکه در محدوده زمانی مورد بررسی مطالعات انجام شده در تحقیق حاضر، به زبان فارسی تحقیقات مستقیمی در حوزه راهبردهای انطباق با بحران‌ها انجام پذیرفته و این مقاله با علم به این موضوع صورت پذیرفته و سعی کرده در بررسی خود مقالات مرتبط به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم را مطالعه کرده است. برای اطمینان از جستجوی کامل مقالات فارسی، بعد از بررسی مقالات انگلیسی زبان که مستقیماً این موضوع را بررسی کرده‌اند، از کلید واژه‌های اصلی مقالات انگلیسی نیز در جستجوی مقالات فارسی استفاده شده است.

کلیه مقالاتی که پیش از سال ۱۳۹۹ یا ۲۰۲۰ منتشر شده بودند از پایگاه‌های معتبر فارسی زبان و انگلیسی زبان جمع‌آوری شده است.

1. Zimmer

جدول ۱: پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی استفاده شده

پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی	پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی
Noormags	Google Scholar
Ensani	Pewresearch
Sid	Science Direct
Magiran	Scopus
Civilica	Epi.org
-	Springer
-	Elsivier

در نهایت نیز از تعداد کثیر مقالات مورد بررسی ۳ مقاله فارسی و ۱۸ مقاله به زبان انگلیسی برای تحلیل نهایی انتخاب شد. ملاک‌های انتخاب این تحقیقات شامل موضوع مشترک و مقالاتی است که واژه‌هایی چون بحران اقتصادی و راهبردهای انطباق با بحران جزء کلمات کلیدی آنها بوده است.

همچنین قابل ذکر است در ارتباط با بحران‌ها و تاثیر آن بر متغیرهای اقتصادی در ایران مقالات و تحقیقات متعددی انجام شده که ارتباطی با موضوع مورد بررسی تحقیق حاضر نداشتند، اکثر این مطالعات اثرات بحران‌های اقتصادی و مالی را به صورت کلان مورد بررسی قرار می‌دهند و اشاره‌ای به راهبردهای مورد استفاده در مواجهه با این بحران‌ها در سطوح خرد و کلان ندارند (به عنوان مثال مراجعه شود به شفیعی و صبوری، ۱۳۸۸؛ فعالجو و احمدی، ۱۳۹۴؛ افشاری و همکاران، ۱۳۹۶؛ برهانی، ۱۳۸۸؛ داوودی و عیسوی، ۱۳۸۹).

یافته‌ها

کمی یا کیفی بودن تحقیق

از مجموع مطالعات مورد بررسی ۴۷/۶۱ درصد از رویکرد کمی و ۱۹/۰۴ درصد نیز رویکرد کیفی را مد نظر قرار دادند یعنی اکثر مطالعات انجام شده در این حوزه از رویکردهای کمی استفاده کرده‌اند. نکته حائز اهمیت استفاده مطالعات فارسی از رویکردهای کیفی است. در این خصوص می‌توان مطرح ساخت که علاوه بر این که تعداد مطالعات انجام شده در این حوزه بسیار محدود

می‌باشد باید سعی شود در تحقیقات آینده استفاده از رویکردهای کمی را نیز در دستور کار قرار داد. ماهیت موضوع مطالعه به گونه‌ای است که رویکردهای کمی می‌توانند کمک شایانی در شناخت بهتر آن باشند.

مقالات انگلیسی اهمیت مطالعات کمی در این حوزه را بیشتر روشن می‌کند. اکثر مطالعات (۵۵/۶ درصد) در این حوزه به صورت کمی صورت پذیرفته است. همچنین رویکردهای کمی و کیفی به صورت ترکیبی (۳۸/۸ درصد) نیز جایگاه مناسبی در مطالعات صورت گرفته دارند. رویکرد کیفی نیز با ۵/۶ درصد (تنها یک مورد) اقبال چندانی در بین محققان خارجی نداشته است.

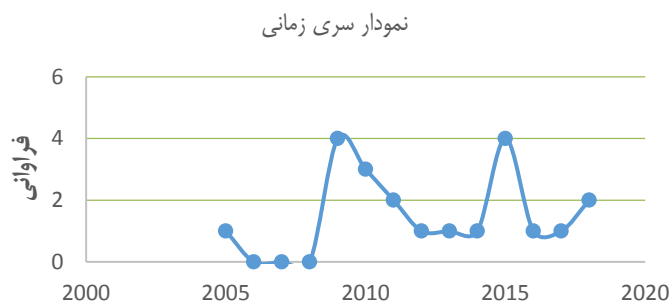
جدول ۲: دسته بندی تحقیقات بر حسب کمی یا کیفی بودن تحقیقات

نوع تحقیق	درصد مقالات فارسی	درصد مقالات انگلیسی	درصد کل مقالات
رویکرد کمی	-	۵۵/۶	۴۷/۶
رویکرد کیفی	۱۰۰	۵/۶	۱۹/۴
رویکرد کمی-کیفی	-	۳۸/۸	۳۳

جنسیت

از بین تمام ۵۹ محققانی که در زمینه راهبردهای انطباق با بحران‌ها، پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، ۵۵/۹۳ درصد آنها را مردان و ۴۴/۰۶ درصد را نیز زنان تشکیل داده‌اند. در این بین اما سهم زنان به عنوان نویسندگان مسؤل و اول مقالات بیشتر بوده است. بدین ترتیب که سهم زنان در این خصوص ۵۷/۸۹ درصد و سهم مردان نیز ۴۲/۱۰ درصد بوده است.

به لحاظ زمانی نیز انجام مطالعات در این حوزه بعد از سال ۲۰۰۹ بیشتر صورت گرفته است. در تحلیل این امر اما وقوع بحران اقتصادی آمریکا و اروپا در این سال‌ها بی‌تاثیر نبوده است. اکثر مطالعات مورد بررسی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۵ به انجام رسیده‌اند.



شکل ۱. سری زمانی مقالات مورد بررسی در حوزه استراتژی‌های...

نوع روش تحقیق

بررسی و دسته‌بندی روش‌شناسی به کار رفته در تحقیقات مرور شده حاکی از آن است که حدود ۲۸/۵۷ درصد از تحقیقات مرور شده در حوزه استراتژی‌های مواجهه با بحران با روش پیمایش انجام شده است. همچنین ۱۹/۰۴ درصد از سایر تحقیقات نیز با روش پیمایش و همراهی یک روش مکمل پیش برده شده‌اند. روش اجرای ۲۳/۸۰ درصد از تحقیقات انجام شده در این حوزه نیز تحلیل ثانویه بوده است (جدول شماره ۳).

نکته حائز اهمیت در این قسمت مطالعات فارسی زبان بوده است که هر کدام به روشی مجزا صورت پذیرفته‌اند. آنچه که مشخص است انجام مطالعه در حوزه استراتژی‌های مواجهه با بحران بیشتر با روش پیمایش سازگاری دارد. همچنین استفاده از روش‌های مکمل نیز مورد اقبال محققان بوده است.

جدول شماره ۳: دسته‌بندی مطالعات برحسب نوع روش تحقیق

فرآوانی	نوع روش
۶	پیمایش
۴	پیمایش مطالعه اسنادی
۵	تحلیل ثانویه
۲	مطالعه اسنادی
۲	پانل
۱	پدیدارشناسی
۱	رویش نظری
۲۱	مجموع

رویکرد روش شناختی تحقیقات

در بررسی رویکرد روش شناختی تحقیقات مورد مطالعه (جدول شماره ۴) مشخص شد که ۵۲/۳۸ درصد از تحقیقات رویکرد توصیفی-تحلیلی داشته‌اند. رویکردهای تحلیلی-تطبیقی، توصیفی-کاربردی و کاربردی نیز هر کدام ۱۴/۲۸ درصد از سهم تحقیقات مرور شده را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۴/۷۴ درصد از تحقیقات مذکور نیز کاربردی بوده‌اند.

جدول شماره ۴: دسته‌بندی مطالعات برحسب رویکرد روش شناختی

مقوله بندی مقالات	فراوانی	درصد
توصیفی-تحلیلی	۱۱	۵۲/۳۸
تحلیلی-تطبیقی	۳	۱۴/۲۸
توصیفی	۳	۱۴/۲۸
توصیفی-کاربردی	۳	۱۴/۲۸
کاربردی	۱	۴/۷۶
مجموع	۲۱	۱۰۰

جامعه آماری پژوهش‌ها

در خصوص جامعه آماری مورد بررسی در تحقیقات مرور شده باید در تفاوت بین تحقیقات فارسی زبان و انگلیسی زبان مطرح ساخت که تحقیقات صورت گرفته در ایران صرفاً به منطقه‌ای خاص و با تعداد نمونه محدود، تدوین شده‌اند. در حالی که سایر مقالات در مقیاسی وسیع کشوری و حتی قاره‌ای صورت پذیرفته‌اند. به جز دو مقاله فارسی زبان که جامعه آماری خود را شهر و روستا (مردم مشهد و روستاهای استان کردستان) عنوان نموده‌اند بقیه مطالعات در سطح کشوری (آمریکا، یونان، سوئدان، نپال، پرتغال و کره جنوبی) و قاره‌ای (۴ کشور آسیایی، کشورهای اتحادیه اروپا، ۲۶ کشور اروپایی و تمام کشورهای اروپایی) صورت پذیرفته‌اند. تعدادی از مطالعات نیز چند کشور از قاره‌های مختلف (اروپا و آمریکا؛ آفریقا و آسیا) را مورد بررسی قرار داده‌اند.

حجم نمونه‌های مورد بررسی

براساس نتایج حاصل، در مجموع تحقیقات مرور شده، معادل ۳۴۱۵۶۹ نمونه آماری بررسی شده است. دسته بندی این نمونه‌ها براساس رویکردهای روشی آنها، نشان دهنده این است که ۹۴/۶۶ درصد نمونه‌ها براساس رویکرد کمی و روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است، همچنین ۵/۳۲ درصد نمونه با رویکرد کمی و روش پانل جمع‌آوری شده است.

حجم بسیار پایینی از نمونه‌ها نیز از طریق روش‌های کیفی و ابزارهای چون مصاحبه و مشاهده مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۵: حجم نمونه‌های مورد بررسی

رویکرد	نوع روش	تکنیک/ابزار	فراوانی	درصد
کمی	پیمایش	پرسشنامه	۳۲۳۳۴۱	۹۴/۶۶
	پانل	پرسشنامه	۱۸۱۸۸	۵/۳۲
کیفی	تحلیل ثانویه	اسناد		
	پدیدار شناسی	مصاحبه	۲۹	۰/۰۰۸
	رویش نظری (تئوری داده بنیاد)	مشاهده	۱۱	۰/۰۰۳
کمی-کیفی	پیمایش مطالعه اسنادی	اسناد مصاحبه پرسشنامه	-	-
	مجموع	-	۳۴۱۵۶۹	۱۰۰

نکته قابل بیان در این قسمت در خصوص مطالعات پیمایش اسنادی می‌باشد. این مطالعات با وجود اینکه از حجم بسیار زیادی از اطلاعات و اسناد متنوع استفاده کرده اما حجم نمونه‌ای ارائه نداده‌اند. لذا در جدول بالا اشاره‌ای به مطالعات اسنادی صورت نپذیرفته است.

چارچوب مفهومی و سطح تحلیل

یکی از روش‌های انجام هر مطالعه‌ای بهره برداری از چارچوب‌ها و مدل‌هایی از پیش استفاده شده می‌باشد. این امر از جهتی راهنمای راه محققان بوده و از طرفی دیگر کار محقق را با روایی و پایایی از پیش تعریف شده‌ای همراه می‌کند و به عبارتی کیفیت کار محقق را ضمانت می‌کند. اما مطالعات صورت گرفته در حوزه استراتژی‌های مواجهه با بحران نشانه‌ای از چارچوب‌های

مفهومی تثبیت شده و مورد تایید در این حوزه را نشان نداده است. اکثر مطالعات بدون اشاره به چارچوب مفهومی خاصی کار خود را شروع و نتایج تحقیق خود را نیز گزارش نموده‌اند. در مطالعات صورت گرفته اکثراً محققین به بازگویی مطالبی در خصوص بحران‌ها و اثرات آن بر ابعاد مختلف زندگی مردم پرداخته‌اند امری که نشانگر ضعف این حوزه هم در مطالعات داخلی و هم خارجی دارد. از ۲۱ مطالعه مورد بررسی در این حوزه تنها در دو مورد از مطالعات می‌توان نشانی از چارچوبی مفهومی مشخص دید که مطالعه نیز بر پایه آن صورت بندی گردیده است. در این مطالعات به نظریات وبر و داگلاس نورث و همچنین تئوری اثر وبلن در خصوص مصارف آشکار و پنهان اشاره شده است.

اثرات ناشی از وجود بحران‌ها

از مرور مطالعات انتخاب شده در حوزه استراتژی‌های مواجهه با بحران، اثرات حضور و ایجاد بحران‌هایی اقتصادی، بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی مردم استخراج گردیده است. نتایج این احصاء نشان می‌دهد که بیشترین تاثیر بحران‌های اقتصادی در افزایش بیکاری، از بین رفتن فرصت‌های شغلی، ضررهای درآمدی، کاهش ثروت و افزایش فقر بوده است.

نکته مورد توجه اینست که بیشتر اثرات مورد بررسی، جنبه‌ای اقتصادی دارند. بحران‌ها بیشترین تاثیر خود را بر حوزه‌های اقتصادی زندگی مردم می‌گذارند و این بعد از زندگی اجتماعی را به نسبت سایر ابعاد دگرگون‌تر می‌سازد. با این حال نمی‌توان مدعی شد که تاثیر بحران بر سایر ابعاد کمتر بوده است ولی می‌توان گفت که اولین حوزه‌ای که متاثر می‌شود حوزه اقتصادی زندگی اجتماعی است. تغییرات این حوزه نیز قطعاً سایر ابعاد زندگی مردم را متاثر از خود خواهد ساخت.

جدول شماره ۶: اثرات ناشی از بحران‌ها

اثرات بحران	فراوانی	اثرات بحران	فراوانی
افزایش بیکاری	۴	افزایش فقر	۳
ضرر درآمدی	۳	کاهش خدمات دولتی	۲
از بین رفتن فرصت‌های شغلی	۴	نا امنی شغلی	۱
ورشکستگی مشاغل کوچک و کارفرین	۱	افزایش آسیب‌های اجتماعی	۱
کاهش سرعت ارتقا شغلی	۱	افزایش قیمت‌ها	۱
افزایش فشارهای اجتماعی و روانی	۱	کاهش روابط اجتماعی و افزایش	۱
افزایش اتکاء خانوادگی در جوانان	۱	احساس افسردگی و انزوا	۱
کاهش ثروت	۳		
مجموع			۲۷

استراتژی‌های مورد استفاده جهت مواجهه با بحران‌ها

در بررسی یافته‌های تحقیقات مرتبط با استراتژی‌های مواجهه با بحران، دو دسته استراتژی شناسایی گردید. یک دسته از استراتژی‌های مربوط به فعالیت‌های دولت‌ها است و دسته دیگر نیز استراتژی‌های خانوار در جهت کاهش فشار بحران‌ها را نشان می‌دهد. در استراتژی‌های دولتی مهمترین‌ها و به عبارتی بیشترین استراتژی‌هایی که مورد بررسی قرار گرفته‌اند بحث حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و بهداشتی دولت‌ها با ۱۸/۷۵ درصد و همچنین ایجاد شغل (۱۵/۶۲ درصد) و پرداخت یارانه و حمایت معیشتی (۱۵/۶۲ درصد) می‌باشد. دولت‌ها بیشتر از این طریق سعی در کاهش فشار وارد شده بر مردم در نتیجه بروز بحران‌ها دارند. اما رایجترین استراتژی مواجهه خانوارها با بحران، کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار با ۳۲ درصد است. استراتژی‌های تنوع معیشتی یا تغییر شغلی (۱۸/۶۶ درصد)، درخواست کمک از شبکه‌های اجتماعی و سازمانهای مردم نهاد (۸ درصد)، مهاجرت (۸ درصد) و چند شغله شدن و مصرف پس انداز (۵/۳۳ درصد) نیز از رایج‌ترین این استراتژی‌ها بوده است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: استراتژی‌های مورد استفاده جهت مواجهه با بحران‌ها

فرآوانی	استراتژی‌های خانوار مواجهه	فرآوانی	استراتژی‌های دولتی مواجهه
۲۴	کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار	۵	ایجاد شغل
۳	کاهش سرمایه گذاری خصوصی	۲	حفظ درآمد مردم و افزایش دستمزد
۱۴	تنوع معیشتی یا تغییر شغلی	۵	پرداخت یارانه نقدی و حمایت معیشتی
۳	افزایش ساعات کاری	۳	پرداخت یارانه‌های شغلی
۶	درخواست کمک از شبکه‌های اجتماعی و سازمانهای مردم نهاد	۲	اعطای مزایای بیکاری
۲	کاستن یا افزایش پس انداز بسته به درآمد	۶	حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و بهداشتی
۴	مصرف پس انداز بازنشستگی	۱	کاهش نرخ بهره
۶	مهاجرت	۱	ایجاد مناطق آزاد
۱	تقدیر گرایی و عدم واکنش به بحران	۱	معافیت‌های مالیاتی
۴	چند شغله شدن	۱	اقدامات ریاضتی
۲	اقدامات مجرمانه	۱	تنظیم قیمت‌ها
۱	روسیبگیری	۱	توجه به سید خانوار
۱	ارزیابی مجدد اولویت‌های مصرفی	۱	کاهش ساعات کار جهت حمایت از کارفرما
۲	فروش دارایی‌های تولیدی	۱	گسترش آموزش و یادگیری
۱	قرض گرفتن	۱	اخراج کارگران خارجی
۱	تغییر تصمیمات در خصوص باروری		
۷۵		۳۲	مجموع

استراتژی کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار

در خصوص استراتژی‌های کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار، نتایج بررسی‌ها رایج‌ترین استراتژی را تغییر یا تعدیل رژیم غذایی به لحاظ کمی و کیفی معرفی می‌کند. این استراتژی ۳۳/۳۳ درصد از مجموع استراتژی‌های خانوار در این بخش را به خود اختصاص داده است. استراتژی کاهش هزینه‌های درمانی و بهداشتی نیز با ۲۰/۸۳ درصد رایج‌ترین مورد دیگر در این استراتژی است.

جدول شماره ۸: استراتژی کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار

فرآوانی	استراتژی‌های کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار
۸	تغییر رژیم غذایی (تعدیل مصارف غذایی) به لحاظ کمی و کیفی
۵	کاهش هزینه‌های بهداشتی، درمانی و پزشکی
۲	کاهش اوقات فراغت و استفاده از رستوران‌ها
۲	ترک تحصیل و خروج از نظام آموزشی
۲	کاهش مصارف پنهان و در مقابل تثبیت مصارف آشکار
۱	کاهش مصارف تجملی و رفاهی
۱	استفاده از مارک‌های ارزان قیمت
۱	تغییر مدارس از خصوصی به عمومی
۱	کاهش کالاها و خدمات راهبردی
۱	کاهش مصارف فرهنگی و ورزشی
۲۴	مجموع

نگاهی به استراتژی‌های کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار نشان می‌دهد که خانوارها به دنبال کاهش مصارف روزمره زندگی خود هستند. اکثر استراتژی‌های بیان شده، مصارفی را نشان می‌دهد که به طور روزمره خانواده‌ها با آنها در ارتباطند. به عبارتی افراد و خانواده‌ها به دنبال کاهش مصرف در بخش‌هایی از زندگی خود هستند که بیشترین هزینه را آن بخش‌ها به خود اختصاص می‌دهند حتی اگر یکی از اساسی‌ترین نیازهای آنها باشد. نیاز به غذا و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی از مهمترین نیازهای خانواده‌ها است که البته بروز بحران‌ها بر آنها تأثیرات شدیدی می‌گذارد.

استراتژی تنوع معیشت یا تغییر شغلی

در ارتباط با استراتژی تنوع معیشت یا تغییر شغلی به عنوان رایج‌ترین استراتژی بعد از استراتژی کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار، باید عنوان نمود که اشتغال در شغل‌های پست و کم بازده با ۲۸/۵۷ درصد و ورود به کارهای غیر رسمی با ۲۱/۴۲ درصد از مهمترین موارد این استراتژی می‌باشند.

جدول شماره ۹: استراتژی تنوع معیشت یا تغییر شغلی

فراوانی	استراتژی تنوع معیشت یا تغییر شغلی
۴	اشتغال در شغل‌های پست و کم بازده
۳	ورود به کارهای غیر رسمی
۲	روی آوردن به شغل‌های پرخطر
۲	راه اندازی صنایع دستی و ساخت ابزار آلات
۲	روی آوردن به کشاورزی
۱	راه اندازی تجارت‌های کوچک مقیاس
۱۴	مجموع

بحث و نتیجه‌گیری

مرور مطالعات انجام شده پیرامون راهبردهای انطباق با بحران، نشان دهنده این امر است که این نوع مطالعه در ایران و در بین مقالات فارسی زبان آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. این امر زمانی قابل تامل است که کشور ایران دوره‌های زیادی از بحران را در چند دهه اخیر تجربه نموده است. اما انگار محققین ایرانی و پژوهشگران حوزه‌های اقتصادی-اجتماعی علاقه چندانی به مطالعه این حوزه به خصوص در سطوح خرد نداشته‌اند. نمی‌توان در این حوزه مطالعه‌ای جامع و کامل پیدا نمود که به بررسی خانوارها پرداخته و راهکارهای آنها را برای خروج از بحران مورد بررسی قرار داده باشد. وضعیت جامعه ایرانی به خاطر شرایطی که در آن قرار دارد (تحریم‌ها و شوک‌های اقتصادی و ویروس کرونا) هر روزه شاهد استراتژی‌های مختلف و کنش‌های متفاوتی از سوی مردم (خرید دلار، صف‌های طولانی، ورود به بورس و ...) برای خروج از فشار ناشی از بحران‌ها و شوک‌های اقتصادی است. کنش‌هایی که گاهی با اثرات مثبت و منفی، اقتصاد کشور و وضعیت مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد. لذا نادیده گرفتن این بخش مهم از یک

جامعه امری غیر قابل قبول از سوی محققان این حوزه است. به لحاظ روشی محدود مطالعات صورت گرفته در ایران، رویکرد کیفی را انتخاب نموده‌اند و با انتخاب منطقه‌ای خاص و تعداد محدود نمونه به انجام رسیده‌اند.

اما برخلاف مطالعات در ایران، در کشورهای خارجی مطالعات متنوعی در این حوزه به انجام رسیده است. مطالعاتی که به لحاظ جغرافیایی، از وسعت و سطح تنوع قابل توجهی برخوردار هستند. مفهوم کلیدی در این مطالعات بحث راهبردهای انطباق^۱ است. در واقع در این مطالعات تاکید بر راهکارها، کنش‌ها و استراتژی‌هایی است که از سوی خانوارها و بخش دولتی برای عبور از شرایط بحرانی انتخاب می‌شوند. این مطالعات اکثراً با رویکردها کمی و با روش پیمایش صورت گرفته‌اند. و از این طریق از یک طرف حجم عظیمی از داده‌ها را گردآوری نموده و از طرف دیگر حجم نمونه بسیار وسیعی را برای مطالعه انتخاب نموده‌اند. اکثر این مطالعات از داده‌های کشوری برای این امر استفاده کرده و نتایج خود را در سطحی ملی و حتی قاره‌ای بیان نموده‌اند (کلنج و هولت، ۲۰۱۸؛ کاکوی و همکاران، ۲۰۱۷؛ فاندویل و همکاران، ۲۰۱۵؛ فراد و کولهو، ۲۰۱۵؛ لوزاردی و همکاران، ۲۰۱۰؛ گو و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین با توجه به وجود تنوع روشی در مطالعات خارجی اما روش پیمایش از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. همچنین اینکه در کنار این روش از روش‌های مکمل نیز برای دستیابی به جنبه‌های متفاوت مسئله استفاده شده است. به لحاظ جنسیت نیز، تمام تحقیقات بررسی شده توسط ۵۹ محقق صورت پذیرفته است که اکثریت آنها را مردان (۵۵/۹ درصد) تشکیل می‌دهند. البته سهم زنان به عنوان نویسندگان مسئول و اول مقالات (۵۷/۸) نسبت به مردان محسوس‌تر بوده است.

یافته‌های تحقیقات مرور شده نشان داد بیشترین اثرگذاری بروز بحران‌ها در حوزه اقتصادی است. به عبارتی اولین ضربه بحران‌ها به جنبه اقتصادی زندگی مردم برخورد می‌کند و از این ناحیه زوایای دیگر زندگی اجتماعی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. ظهور بحران‌ها به افزایش بیکاری، از بین رفتن فرصت‌های شغلی، ضرر درآمدی و کاهش ثروت و در نهایت فقر منجر می‌شود. فشارهای روانی و اجتماعی را افزایش می‌دهد و به کاهش روابط اجتماعی و در نهایت افسردگی و انزوا می‌انجامد. در ادامه این تحقیقات اما استراتژی‌های برون رفت از این وضعیت که توسط خانوارها و دولت در شرایط از بحران مورد استفاده قرار می‌گیرد بیان شد. نتایج نشان می‌دهد که در استراتژی‌های دولتی رایج‌ترین امر ایجاد اشتغال، پرداخت یارانه نقدی و حمایت معیشتی و حمایت‌های اجتماعی، آموزشی و بهداشتی است. و در بخش استراتژی‌های خانوار

1. Coping strategies

رایج‌ترین آنها کاهش هزینه‌های مصرفی خانوار، تنوع معیشتی یا تغییر شغل، درخواست کمک از شبکه اجتماعی و مدنی و در نهایت مهاجرت و چند شغله شدن است. نکته قابل اهمیت در این استراتژی‌ها تمایل شدید خانوارها به تغییر رژیم غذایی خود به لحاظ کیفی و کمی و همچنین کاهش استفاده از خدمات بهداشتی، درمانی و پزشکی است. البته در این کنش‌ها بیشتر بزرگسالان مورد ضربه قرار خواهند گرفت و سپس کودکان. لذا همین نتایج می‌تواند سیگنالی برای مسئولین مختلف دولتی باشد که در زمان بحران‌ها خانوارها را به لحاظ تغذیه‌ای و بهداشتی درمانی مورد توجه و نظارت بیشتری قرار دهند. عدم توجه به این مسئله قطعاً پیامدهای ناگواری برای آینده یک کشور و جامعه خواهد داشت.

اما در نهایت با بررسی تمام استراتژی‌های مورد بحث و مورد استفاده شده در جریان وقوع بحران‌ها می‌توان در این تحقیق به این دسته‌بندی کلی رسید که در هسته اصلی این استراتژی‌ها سه گروه یا سه عامل در کاهش فشارهای ناشی از وقوع بحران‌ها موثر واقع می‌شوند. هر یک از این گروه‌ها فعالیت‌ها و کنش‌های خود را با استراتژی‌های خاص مربوط به خود در جهت کاهش فشار بحران‌ها عملی می‌کنند. اول و مهمترین این استراتژیست‌ها را باید خانوارها عنوان نمود. کنش‌هایی که خانوارها در نتیجه بروز بحران‌ها انجام می‌دهند نوعی بازایی یا تطبیق‌پذیری در جنبه‌های مختلف زندگی است. کنش‌هایی که تمام جنبه‌های زندگی از اقتصادی گرفته تا بهداشتی، اجتماعی، درمانی، فرهنگی و تغذیه‌ای را در بر می‌گیرد. این کنش‌ها شامل تغییر رژیم غذایی به لحاظ کیفی و کمی، کاهش اوقات فراغت، کاهش هزینه‌های آموزشی، کاهش پس‌انداز، تنوع معیشتی، چند شغله شدن و ... می‌باشد. دسته دوم این استراتژیست‌ها به دولت و سازمان‌های نهادی مرتبط است. گروهی که از قدرت و توانایی بالایی برخوردار بوده و به واسطه دسترسی به منابع مختلف، در شرایط بحرانی می‌تواند فشار مضاعف را از دوش خانواده‌ها و افراد بردارد. استراتژی‌های این دسته شامل حمایت معیشتی، ایجاد شغل، افزایش دستمزد، اعطای مزایا و مشوق‌ها و ... می‌باشد. اما دسته سومی که می‌تواند به خانوارها جهت عبور از شرایط بحرانی کمک نمایند، دوستان و اقوام و خویشان نزدیک هستند. خانوارها و افراد می‌توانند با استفاده از میزان تعلق و همبستگی خود به این دسته کمک‌هایی را نیز از آنها دریافت نمایند. استراتژی‌های این گروه نیز شامل پرداخت پول، اعطای کالا و حتی خدمات مراقبتی باشد.

اما نکته قابل بحث و مهم مقالات مرور شده ضعف نظری و پارادایم تبیینی برای استراتژی‌ها و کنش‌های مورد استفاده توسط خانوارها بوده است. در تمام مطالعات مورد بررسی (به جز دو مطالعه) عدم استفاده از پارادایم و چارچوبی مشخص برای تبیین بهتر مسئله مورد بررسی به چشم می‌خورد. نبود یک پارادایم مشخص و چارچوب مفهومی قطعاً در کیفیت

تحقیقات تاثیر گذار خواهد بود. در عین حال در اغلب مطالعات مرور شده، کمتر توجهی به آن شده است. چالش مهمی که باید محققان در جهت رفع آن اقدام نمایند. وجود یک چارچوب معین نه تنها در امر انجام تحقیق می‌تواند موثر واقع شود بلکه می‌تواند تبیین‌های روشمندی از آنچه در سطح یک اجتماع رخ می‌دهد ارائه دهد. امری که قطعاً در کار بست بسیاری از راهکارهای مقابله‌ای موثر خواهد بود. بنابراین نبود یک چارچوب نظری مشخص بزرگترین چالش تمام مطالعات در این حوزه می‌باشد. لذا از آنجایی که حوزه مورد تحقیق در قلمرو علوم اجتماعی و اقتصادی است، بیشتر از همه لازم است تا جامعه‌شناسان اقتصادی با ورود به این حوزه و مطالعه بیشتر، تدوین چارچوب نظری متناسب با شرایط جامعه را در دستور کار قرار دهند. بی‌شک انجام چنین کاری با فراهم نمودن شرایط انجام تحقیقات کارآمدتر، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های موثرتری را برای آینده منجر خواهد شد. به گونه‌ای که از هدر رفتن هزینه‌های بسیار زمانی و مالی نیز جلوگیری می‌شود.

منابع و مأخذ

- احمد زاده، عزیز؛ حیدری، حسن و ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱)، تحلیلی بر بحران مالی اخیر و اثر آن بر اقتصاد نفتی ایران، *ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره‌های ۶ و ۷، صص ۴۶-۲۹.
- افشاری، زهرا و موسوی، میرحسین و جهانی چگنی، ناهید (۱۳۹۵)، اثر بحران مالی بر سود دهی بانک‌های اسلامی و متعارف با تاکید بر بحران مالی ۲۰۰۸، *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، سال نهم، شماره ۳۰، صص ۵۶۹-۵۹۳.
- ایزدی، محسن (۱۳۸۷)، *پیدایش و گسترش بحران مالی در جهان و اثرات آن بر اقتصاد ایران*، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- برهانی، حمید (۱۳۸۸)، *تاثیر بحران‌های مالی بر بانکداری اسلامی، مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: موسسه عالی بانکداری ایران.
- ترکی، لیلا؛ جنتی، ابوالفضل و یحیایی، ساناز (۱۳۹۲)، تاثیر بحران مالی بر بیکاری کشورهای منتخب حوزه منا (مطالعه موردی بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸)، *فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی*، دوره سوم، شماره ۱۲، صص ۲۶-۱.
- خضری، محمد (۱۳۸۷)، بررسی آثار بحران مالی در اقتصاد آمریکا بر اقتصاد ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۸۲-۶۵.
- داوودی، پرویز و عیسوی، محمود (۱۳۸۹)، بحران‌های اقتصادی و راه حل اقتصاد اسلامی، *مجله اقتصاد*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۰.
- رضایی، محسن (۱۳۹۷)، ارزیابی علل و پیامدهای عمده بحران اقتصادی در ایران، *فصلنامه اقتصاد مالی*، سال دوازدهم، شماره ۴۲، صص ۲۰۱-۲۲۷.
- سواری، مسلم؛ شعبانعلی، حسین؛ ایروانی، هوشنگ و اسدی، علی (۱۳۹۷)، طراحی الگوی پایدارسازی معیشت کشاورزان کوچک مقیاس در شرایط خشکسالی استان کردستان، *نشریه تحلیل فضایی مخاطرات طبیعی*، شماره ۲، سال پنجم، صص ۱۸-۱.
- شفیعی، سعیده و صبوری دیلمی، محمدحسن (۱۳۸۸)، بررسی میزان اثرپذیری متغیرهای کلان اقتصاد ایران از بحران مالی جهانی، *مجله بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۳۹، صص ۱۶-۲.
- شیخیانی، حمزه و موسوی، سید مجدالدین (۱۳۹۱)، بررسی تاثیر بحران اقتصاد جهانی بر متغیرهای اقتصادی ایران، *حصون*، شماره ۳۵، صص ۱۲۰-۱۰۲.

- فعالجو، حمیدرضا و سیداحمدی، سیدقاسم (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر بحران‌های مالی جهانی بر طول دوران رکود اقتصادی در ایران (رهیافت مدل‌های دوره‌ای)، *فصلنامه روند*، سال بیست و دوم، شماره ۷۲، صص ۱۰۴-۸۳.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۶)، روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۷۳۶-۷۲۱.
- Alderman, H., Hoddinott, J., & Kinsey, B. (2006). Long term consequences of early childhood malnutrition. *Oxford economic papers*, 58(3), 450-474.
- Bagwell, L. S., & Bernheim, B. D. (1996). Veblen effects in a theory of conspicuous consumption. *The American Economic Review*, 349-373.
- Brinkman, H. J., De Pee, S., Sanogo, I., Subran, L., & Bloem, M. W. (2010). High food prices and the global financial crisis have reduced access to nutritious food and worsened nutritional status and health. *The Journal of nutrition*, 140(1), 153S-161S.
- Cazes, S., Heuer, C., & Verick, S. (2011). *Labour market policies in times of crisis. In From the great recession to labour market recovery* (pp. 196-226). Palgrave Macmillan, London.
- Chakrabarti, R., & Lee, D., & van der Klaauw, W., & Zafar, B. (2011). Household debt and saving during the 2007 recession, Staff Report, No. 482, *Federal Reserve Bank of New York*, New York, NY.
- Claessens, S., & Feijen, E. (2007). *Financial sector development and the millennium development goals*. The World Bank.
- Clench-Aas, J., & Holte, A. (2018). Measures that increase social equality are effective in improving life satisfaction in times of economic crisis. *BMC public health*, 18(1), 1233.
- De Grauwe, P. (2010). *The financial crisis and the future of the Eurozone* (No. 21). European Economic Studies Department, College of Europe.
- Della Porta, D. (2012). Critical trust: Social movements and democracy in times of crisis. *Cambio. Rivista sulle Trasformazioni Sociali*, 2(4), 33-43.
- Dercon, S., & Christiaensen, L. (2011). Consumption risk, technology adoption and poverty traps: Evidence from Ethiopia. *Journal of development economics*, 96(2), 159-173.
- FAO (2009), *The State of Food Insecurity in the World: Case studies of countries affected by the economic crisis*.
- FAO (2010), *The State of Food Insecurity in the World Addressing food insecurity in protracted crises: Food and agriculture organization of the united nations*, Rome.

- Feyen, E. (2009). Financial Development, Financial Crises, and the Millennium Development Goals. *The Financial Development Report*, 2009, 37-43.
- Fiszbein, A., Adúriz, I., & Giovagnoli, P. I. (2003). The Argentine crisis and its impact on household welfare. *CEPAL review*.
- Fondeville, N., Ward, T. (2014). *Scarring effects of the crisis, European Union*.
- Gardo, S., & Martin, R. (2010). The impact of the global economic and financial crisis on central, eastern and south-eastern Europe: A stock-taking exercise. *ECB Occasional paper*, (114).
- Gautam, Y., & Andersen, P. (2016). Rural livelihood diversification and household well-being: Insights from Humla, Nepal. *Journal of Rural Studies*, 44, 239-249.
- Glewwe, P., & Hall, G. (1998). Are some groups more vulnerable to macroeconomic shocks than others? Hypothesis tests based on panel data from Peru. *Journal of development economics*, 56(1), 181-206.
- Goh, C. C., Kang, S. J., & asuyuki Sawada, Y. (2005). How did Korean households cope with negative shocks from the financial crisis?. *Journal of Asian Economics*, 16(2), 239-254.
- Guerschanik Calvo, S. (2013). *Financial Crises, Social Impact, and Risk Management: Lessons and Challenges*.
- Irons, J. (2009). *Economic scarring: The long-term impacts of the recession, Economic policy institute*. Briefing paper.
- Junankar, P. N. (2011). *The global economic crisis: Long-term unemployment in the OECD*.
- Kapoor, S. (2010). The financial crisis-causes & cures. *Friedrich-Ebert-Stiftung, EU Office Brussels*.
- Kokkevi, A., Stavrou, M., Kanavou, E., & Fotiou, A. (2014). The repercussions of the economic recession in Greece on adolescents and their families. *UNICEF Office of Research-Innocenti*.
- Laaksonen, E., Martikainen, P., Lallukka, T., Lahelma, E., Ferrie, J., Rahkonen, O., ... & Head, J. (2009). Economic difficulties and common mental disorders among Finnish and British white-collar employees: the contribution of social and behavioural factors. *Journal of Epidemiology & Community Health*, 63(6), 439-446.
- Lusardi, A., Schneider, D. J., & Tufano, P. (2010). *The economic crisis and medical care usage* (No. w15843). National Bureau of Economic Research.
- Mačerinskienė, I., Ivaškevičiūtė, L., & Railienė, G. (2014). The financial crisis impact on credit risk management in commercial banks. *KSI transactions on knowledge society*, 7(1).

- McCord, A., & Vandemoortele, M. (2009). *The Global Financial Crisis: Poverty and social protection: Evidence from 10 country case studies*. Overseas Development Institute.
- Newton, K. (2001). Trust, social capital, civil society, and democracy. *International Political Science Review*, 22(2), 201-214.
- O'Neill, B., & Xiao, J. J. (2012). Financial behaviors before and after the financial crisis: Evidence from an online survey. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 23(1).
- Ötger-Robe, İ. (2013). Seizing Opportunities under Extreme Risks: Fragile and Conflict-Affected States. *Let's Talk Development*.
- Polavieja, J. (2013). *Economic crisis, political legitimacy, and social cohesion. Economic crisis, quality of work and social integration: The European experience*, 256-278.
- Powell, C. (2012). The pain in Spain: political, social and foreign policy implications of the European economic crisis. *Análisis del Real Instituto Elcano*, 31, 12.
- Ramesh, M. (2009). Economic crisis and its social impacts. *Global Social Policy*, 9(1_suppl), 79-99.
- Ravallion, Martin 2008. "Bailing out the World's Poorest." Policy Research Working Paper 4763. October. *World Bank. Washington, DC*.
- Reinhart, C. M., & Rogoff, K. S. (2009). *This time is different: Eight centuries of financial folly*. Princeton University Press.
- So, S., Tong, K., & Pon, D. (2010). Informal Risk Management and Safety Net Practices in Economic Crises in Cambodia: Experience of Poor and Vulnerable Workers and Households. *Annual Development Review 2009–2010* (Phnom Penh: CDRI).
- Stuckler, D., Basu, S., Suhrcke, M., & McKee, M. (2009). The health implications of financial crisis: a review of the evidence. *The Ulster medical journal*, 78(3), 142.
- Taylor, P., Morin, R., Kochhar, R., Parker, K., Cohn, D., Lopez, M. H., Fry, R., Wang, W., Velasco, G., Dockterman, D., Hinze-Pifer, R., & Espinoza, S. (2010). A balance sheet at 30 months: How the great recession has changed life in America. Washington, DC: *Pew Research Center, Social and Demographic Trends Project*.
- Tiongson, E., Gueorguieva, A. I., Levin, V., Subbarao, K., Sugawara, N., Sulla, V., & Taylor, A. (2009). *The crisis hits home: Stress testing households in Europe and Central Asia*. The World Bank.
- Zimmer L. (2006), "Qualitative meta-synthesis: a question of dialoguing with texts", *Journal of Advanced Nursing* 53(3): 311-318.